



جایگاه و نقش امید در زندگانی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و دینی

محمدحسین مردانی نوکنده*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۲۴

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۸/۵

چکیده:

در جهان‌بینی توحیدی، امید هدیه الهی است، که چرخ زندگی را به گردش وا می‌دارد و موتور تلاش و انگیزه را پرشتاب می‌کند. در واقع یکی از سازوکارهای حیات و زندگی، امیدواری است. اگر روزی امید از انسان گرفته شود، دوران خمودگی و ایستایی او فرا می‌رسد. امیدوار بودن، هنری است که باید همگان به‌خصوص نسل پویای جوان آن را فرا گیرند؛ کسی که بر خدا توکل کند، از تمام ظرفیت‌ها و انرژی‌های موجود خود بهره می‌گیرد و به عنصری شکست‌ناپذیر مبدل می‌گردد. آری، از مکتبی که یأس و ناامیدی را در ردیف گناهان بزرگ به حساب می‌آورد و بالاتر از آن در کتاب آسمانی‌اش در حد کفر قرار می‌دهد؛ باید انتظار امیدواری همیشگی و دوری جستن از ناامیدی داشت و با تلاش و کوشش مضاعف جامعه‌ای پویا و مطلوب را ارائه نمود.

واژگان کلیدی: امیدواری، یأس و ناامیدی، جامعه مطلوب، تحرک و پویایی.

مقدمه

فعالیت و تلاش همراه است و به بیان بهتر می‌توان گفت: امیدواری از سه جزء شناختی، عاطفی و حرکتی تشکیل می‌شود. باغبانی در ذهن خود، ثمرات و نتایج کارش را که باغستان سرسبز و آباد است، تصور می‌کند و آن را مطلوب می‌بیند؛ از این رو در او نوعی دلدادگی پدید می‌آید و آرزوی داشتن چنین باغی را می‌کند. سپس به‌منظور تحقق آن به فعالیت می‌پردازد. دانش‌آموزی که بدون تلاش و مجاهدت در انتظار کسب مدارج علمی و پذیرش در دانشگاه به سر بُرد، در حقیقت به خیال‌پردازی افراطی روی آورده و از امید واقعی فاصله گرفته است. این مسئله در جهات معنوی نیز صادق است.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: نادان کسی است که از هواهای نفسانی خود پیروی کند و در عین حال از خداوند انتظار بهشت را داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ۱۵۵).

اگرچه در ناامیدی بسی امید است؛ ولی با این بهانه نمی‌توان دست از کار و تلاش کشید و به امید یاری دیگران چشم دوخت. میوه شیرین و گوارای درخت امید آن‌گاه به‌بار می‌نشیند که با تلاش و فعالیت آبیاری شده باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تکن مَمَّن یرجوا الاخره بغیر عمل؛ از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۲)

بنابراین اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند و کار و تلاش را در رأس زندگانی خویش قرار دهد. کسی که ادعا می‌کند انتظار چیزی دارد و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع به ادعای دروغین دست زده است. مولوی در قالب داستانی کوتاه دل بستن بیهوده به امور واهی و دور از حقیقت را چنین ترسیم کرده که مضمونش این‌گونه است: شخص غریبی با شتاب به دنبال خانه‌ای می‌گشت، دوستش که خانه خرابی داشت، وی را با خود برد و به او گفت: اگر این خانه سقف می‌داشت، تو را در کنار خود جای می‌دادم. اگر در این خانه اتاق دیگری می‌بود، همسرت نیز آسوده در این جا اقامت می‌کرد. اگر اتاق دیگری بود، میهمانت را نیز در آن جای می‌دادی و آن شخص در پاسخ گفت:

گفت آری پهلوی یاران خوش است

لیک ای جان در «اگر» نتوان نشست

امیدواری، حالتی نفسانی است که در آن، انسان به اموری که انتظارش را دارد دل‌بستگی پیدا کرده است. امید در انتظار چیزی بودن است، در حالی که بیشتر وسایل و اسباب آن فراهم شده است. معمولاً امید و آرزو، در فرهنگ فارسی، در کنار یکدیگر به کار می‌روند؛ اما در زبان عربی به صورت جداگانه با عنوان‌های «رجا» و «أمل» استعمال می‌شوند. با یک تحلیل می‌توان گفت: در هر امیدواری، آرزو هست؛ ولی هر آرزویی، امیدواری نیست.

شاید بتوان امید در زندگانی را به سکان کشتی تشبیه کرد، همان طوری که کشتی بدون سکان‌دار در دریای خروشان و پرتلاطم، سرگردان خواهد بود، انسان ناامید نیز در این دنیای پر هیاهو حیران خواهد ماند. بعضی افراد به دلیل شکست‌های گذشته، امیدشان را از دست داده‌اند، به طوری که زندگی منهای امید را قابل تحمل ندانسته و در نهایت، بدترین گزینه یعنی مرگ را مشکل‌گشای خود یافته‌اند. آن عده هم که زنده‌اند، در واقع مرده متحرکی بیش نیستند.

بررسی و تحلیل این نوشتار، نشان می‌دهد، که تقویت و نهادینه شدن امید در زندگانی، تلاش و پویایی را به دنبال خواهد آورد. جامعه‌ای در عرصه‌های گوناگون، پیروز خواهد بود، که کار در رأس برنامه‌های آن قرار گیرد و با همتی والا و گام‌های استوار در جهت سربلندی کشور تلاش و کوشش نمایند.

ماهیت و چیستی امیدواری

انسان به اندازه‌ای می‌تواند برای خود امیدسازی کند که به مرز خیال‌پردازی نرسد. از آن جا که جوان سرشار از انرژی است، توان رسیدن به آرمان‌ها و اهداف بلند را در خود می‌بیند و افق بالاتری را برای خویش ترسیم می‌کند و در اندیشه فرداهای بهتر است. برای او همواره خطر افتادن در دام اوهام وجود دارد. امیدسازی همیشه با در نظر گرفتن واقعیات، امکانات و توان و طاقت فردی صورت می‌گیرد، در حالی که خیال‌پردازی این ویژگی‌ها را ندارد. پس باید در امیدهایمان تجدیدنظر کنیم.

باید مرز بین امیدواری و خوش‌خیالی را به خوبی دانست تا یکی در جای دیگری قرار نگیرد. امیدواری، مقوله‌ای است که با

جایگاه امید و آرزو در آموزه‌های دینی

در اسلام، امید و آرزو جایگاه رفیعی دارد تا جایی که در روایات معصومین از امید به عنوان رحمت الهی یاد شده است که منشأ همت و کار به‌شمار می‌رود.

پیامبر(ص) می‌فرماید: «الأمل رحمه لأمتی و لولا الأمل مار ضعت والده ولدها و لا غرس شجرها؛ امید و آرزو، رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۱۷۲)

مادر، سمبل عاطفه و مهربانی است؛ اما آنچه یک مادر را به مهربانی وا می‌دارد و باران عطوفت وی را سرازیر می‌کند، امید است. اگر روزی امید را از وی بگیرند حتی حاضر نخواهد شد نوزاد دلبندهش را شیر دهد و دست به همت، تلاش و فداکاری نخواهد زد.

در حدیثی از حضرت مسیح(ع) می‌خوانیم: در جایی نشسته بود و پیرمردی را مشاهده کرد که با کمک بیل و کلنگ به شکافتن زمین مشغول است، حضرت مسیح(ع) به پیش‌گاه خدا عرضه داشت: خدایا! امید و آرزو را از او بگیر. ناگهان پیرمرد بیل را به کناری انداخت و روی زمین دراز کشید و خوابید. کمی بعد حضرت مسیح(ع) عرضه داشت: بارالها! امید و آرزو را به او برگردان. ناگهان مشاهده کرد پیرمرد برخاست و دوباره مشغول فعالیت و کار شد. حضرت مسیح(ع) از او سؤال کرد که من دو حالت مختلف از تو دیدم، یک بار بیل را به کنار افکندی و روی زمین خوابیدی، اما در مرحله دوم برخاستی و مشغول به کار شدی؟ پیرمرد در جواب گفت: در مرتبه اول فکر کردم پیر و ناتوان شده‌ام، چرا این همه به‌خود زحمت دهم و تلاش کنم؟ بیل را به کنار انداختم و بر زمین خوابیدم. ولی چیزی نگذشت که این فکر به خاطرم خطور کرد از کجا معلوم که سال‌های زیادی زنده نمانم؟ انسان تا زنده است باید برای خود و خانواده‌اش تلاش کند، از این رو برخاستم و بیل را گرفتم و مشغول کار شدم. (مجلسی، پیشین، ج ۱۴: ۳۲۹)

بنابراین، امید و آرزو موجد همت و تلاش در ابعاد گوناگون زندگانی انسان می‌گردد.

مولوی می‌گوید:

گر نبودی میل و امید و ثمر

کی نشاندی باغبان بیخ شجر

(مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۵۲۲۹)

اقسام امید و آرزو و اثرات آن در همت و تلاش

به‌طور کلی می‌توان امید و آرزو را به امید و آرزوی کاذب و صادق تقسیم کرد. استاد مطهری می‌گوید: «معمولاً افرادی که از لحاظ روح و روان، سالم و با نشاطند و انحرافی پیدا نکرده‌اند، کمتر به تخیل و به هم بافتن آرزوهای دور و دراز و نامعقول می‌پردازند. همیشه عملی فکر می‌کنند و عملی آرزو می‌کنند؛ یعنی آرزوهای آنها در جهت همان مداری است که در زندگی دارند، روی بال و پر خیال نمی‌نشینند و آرزوی امور ناشدنی را نمی‌کنند؛ ولی افراد ضعیف که مبتلا به بیماری روانی هستند و نشاط عمل ندارند و در وجودشان همت و اراده‌ای موجود نیست، بیشتر بر مرکب سریع‌السير خیال سوار می‌شوند و با خیالات خود را سرگرم می‌کنند.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۸۱)

پس باید دایره امیدها و آرزوهایمان را محدود سازیم و بدانیم هر چیزی شایسته امید داشتن نیست. بازیابی و تشخیص امیدهای واقعی و کاذب از امیدهای واقعی و صادق، و امیدهای پست و بی‌ارزش از امیدهای ارزشمند و متعالی و تجدیدنظر در امیدها، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

آفات امید و آرزو

امید و آرزو آسیب‌ها و آفاتی دارد که از عوامل مهم در رکود، سکون و عدم رشد و نوآوری به‌شمار می‌روند؛ که مهمترین آن، عدم آگاهی و اطلاع از واقعیات، غفلت از وظیفه اصلی، بلندپروازی، فاصله گرفتن از مبانی دینی و عوامل اجتماعی فرهنگی حاکم بر جامعه است.

در این جا به مهمترین موارد آرزوهای آفت‌زده اشاره می‌کنیم:

۱. آرزوهای واهی

امیدواریم در حالی که امیدهای خیالی داریم. گاهی امیدها، کاذب و واهی و غیرواقعی است و بیشتر به توهم شباهت دارد که شاعر می‌گوید:

امید نیست که عمر گذشته باز آید

در این امید به سر شد، دریغ عمر عزیز

امام علی(ع) آرزوهای کاذب را به سراب و آب‌نمایی تشبیه

کرده که تشنه‌کامان را به دنبال خود می‌کشاند؛ ولی هر لحظه

آنها را تشنه‌تر می‌کند. (آمدی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۴۳۸)

زمان حال باشد، به نظر روان‌شناسان، بیماری یا مقدمه بیماری روانی است؛ چنانکه می‌گویند: اگر قرار باشد که به زمان حاضر توجه نشود و از فرصت‌هایی که برای شخص فراهم می‌شود استفاده نگردد و دائماً به خود و دیگران بگوید: راست است که من در درس خود خوب نیستم، ولی صبر کن وقتی وارد زندگی شدم بین چه خواهیم کرد! این نوع تفکر می‌رساند که شخص می‌خواهد از زندگی حقیقی و زمان خودش فرار کند. روان‌شناس به‌خوبی می‌داند که این مطالب با حقیقت وفق نمی‌دهد و جز استدلال غیرمنطقی چیز دیگری نیست. این نوع تفکر راجع به آینده، مضر می‌باشد و به احتمال قریب به یقین، شخص صاحب این طرز تفکر، مانند زمان حاضر با عدم موفقیت مواجه می‌شود.» (موسوی لاری، ۱۳۷۶: ۱۸۶) مولوی می‌گوید:

همین مگو فردا، که فرداها گذشت تا به کلی نگذرد ایام
کشت (مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۱۲۶۹)
پیامبر(ص) خطاب به ابوذر می‌فرماید: ای ابوذر! از آن بپرهیز
که خیالات و آرزوها سبب شود که کار امروز به فردا بیفکنی، زیرا تو
متعلق به امروز و مال امروز هستی نه روزهای نیامده. در آنجا که کار
مفید و لازم و خداپسندی می‌خواهی انجام دهی، تأخیر را روا مدار.
ای ابوذر! به عمرت بیش از مالت بخل بورز. (مطهری، ۱۳۷۹: ۵۶)

آرزوی برتر

اگر امید و آرزو از محدوده تنگ دنیای مادی خارج گردد و به آرمانی باقی و ثابت و همیشگی نظر افکنده شود، به آرزوی برتر نزدیک شده‌ایم. امام علی (ع) می‌فرماید:

«من یکن الله أله یدرک غایه الامل و الرجاء؛ هر کس خداوند آرزو و آرمانش باشد، نهایت آرزو و امید را دریافته است.» (آمدی، ۱۳۸۰: ۳۷۵)

قرآن مجید آرزویی را که توجه ارزش‌های والای انسانی باشد و رنگ الهی به خود گیرد، برترین آرزوها و امیدها دانسته است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«المال و البنون زینه الحیوه الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر أملاً؛ مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند و ارزش‌های پایدار و شایسته نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امید بخش‌تر است.» (کهف، آیه ۴۶)

بر این اساس در آموزه‌های دینی، از آرزوهای بلند، به دلیل آثار و پیامدهای شوم آن، به آرزوهای غیرمنطقی تعبیر و نکوهش شده است. چرا که از عوامل بازدارنده رشد و پیشرفت به‌شمار می‌رود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: از آرزوهای بلند بپرهیزید که زیبایی نعمت‌های الهی را از نظر شما می‌برد و آنها را نزد شما کوچک می‌کند و به کمی شکر فرا می‌خواند. (همان، ج ۳: ۳۱۹)

۲. آرزوی تعدیل نشده

یکی از آفات امید و آرزو، خروج از مدار اعتدال است. اگر امید و آرزو از حد اعتدال خارج شود و رنگ افراطی به خود بگیرد، همت و تلاش سازنده از انسان سلب می‌گردد. مفاسد جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. امام علی (ع) می‌فرماید: از تکیه کردن بر آرزوها بپرهیزید که همانا سرمایه احمقان و مانع خیر آخرت و دنیاست. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

اگر در بعضی آیات و روایات، آرزو مذمت شده، همین آرزوهای دور و دراز است که پشتوانه عقلانی ندارد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «شرف الغنی ترک المُنی؛ برترین بی‌نیازی، ترک آرزوهاست.» (همان، قصار ۳۴)

در روایتی دیگر آثار زیان‌بار آرزوهای واهی را این‌گونه ترسیم فرمودند: آرزوهای بلند، عقل انسان را می‌برد، وعده آخرت را دروغ می‌شمرد، انسان را به غفلت وا می‌دارد و سرانجام آن، حسرت و ندامت است. (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۰۳)

آرزو بد نیست طغیانش بد است

هست دریا خوب و طوفانش بد
گرچه هر میلی همایون مرکبی است

خارج از اندازه جولانش بد است
نگاه امیدوارانه، آری. موکول کردن انجام امور به آینده نه. هرگز نباید به بهانه امیدوارانه زیستن، انجام امور را به آینده موکول و اکنون را رها کنیم؛ یعنی نباید «حال ممکن» را فدای آینده نیامده کرد. نگاه امیدوارانه با تلاش و فعالیت توأم است، در حالی که کارها را به آینده واگذار کردن، رخوت و سستی به دنبال دارد. بعضی کلمه «وقتی که» را زیاد به کار می‌برند؛ وقتی که پولدار شدم، وقتی که به دانشگاه راه یابم، وقتی که ازدواج کنم؛ اما برای شرایط فعلی خود هیچ برنامه مشخصی ندارند.

«اگر توجه به گذشته و آینده به‌خاطر فرار از دشواری‌های

نگاه امیدوار خود را متوجه گل‌ها کنیم.

۱-۲. اندیشه در داشته‌ها

بزرگ‌نمایی سختی‌ها و نظر افکندن در کاستی‌ها و کمبودها که یک روی سکه زندگی است، باعث شده است که از روی دیگر سکه که خوشی‌ها و زیبایی‌ها و داشته‌هاست، غفلت شود. این نگرش منفی، افرادی را در کام یأس و افسردگی فرو برده است که نتیجه آن تنبلی، رکود و سکون در فرد و جامعه می‌باشد. امام هادی (ع) ابو هاشم جعفری را که در تنگنای شدیدی قرار داشت، با ذکر نعمت‌های الهی امیدوار ساخت و پیش از آنکه او چیزی بگوید، حضرت فرمود: کدام یک از نعمت‌های خدا را می‌خواهی شکرگزاری کنی؟ وی که شگفت‌زده شده بود، خود را جمع کرد و ندانست چه بگوید. امام (ع) یکی پس از دیگری نعمت‌های وی را بازگو کرد و فرمود: خداوند به تو ایمان داده و با این نعمت، بدنت را بر آتش حرام کرده و به تو تندرستی عطا فرموده و با این وسیله تو را بر انجام فرامین الهی یاری رسانده و به تو قناعت ارزانی داشته، پس تو را از بذل و بخشش بی‌هوده حفظ کرده است. (مجلسی، پیشین، ج ۵۰: ۱۲۹) حضرت با بیان نعمت‌ها، او را به آنچه در حال حاضر داشت آشنا کرد و به او فهماند آنچه دارد بیش از آن است که ندارد، زیرا همواره در کنار هر نعمتی، نعمتی است. امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: هیچ بلایی نیست مگر آنکه خداوند در نهادش خیری نهفته که آن را فرا می‌گیرد. (مجلسی، پیشین، ج ۷۸: ۳۷۴)

۲. محکم کردن پایه‌های اعتقادی و اخلاقی

یأس و امید تا حد زیادی مربوط به جهان‌بینی و نگرش انسان به نظام آفرینش است. کسی که به ماورای طبیعت اعتقاد دارد و نظام خلقت را محدود به دنیا نمی‌پندارد، در تاریک‌ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی‌کند، زیرا همیشه خدا را در کنار خود می‌یابد. انسان مؤمن با داشتن این تکیه‌گاه مطمئن، با خود می‌گوید: هرگز به خود رها نشده‌ام و زحماتم بی‌نتیجه نخواهد ماند و نتیجه چنین بینشی همت و کار مضاعف در ابعاد گوناگون زندگانی می‌باشد. اما با تفکر و جهان‌بینی مادی و نگاه بدبینانه به طبیعت، اصل و ریشه امید به شدت آسیب می‌بیند. استاد مطهری می‌گوید: «اثر فلاسفه مادی که همیشه نظر بدبینانه به طبیعت داشته و دارند، با توجه به این که به اصل

این امید متعالی اگر چه به خود جامعه عمل نپوشد، ارزشمند است و از روایات استفاده می‌شود که خداوند به مقدار این آرزوها و امیدها، به افراد با ایمان، اجر و پاداش می‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: گاهی بنده مؤمن تهیدست می‌گوید: خدایا! به من روزی عطا کن تا فلان کار خیر و نیک را به جا آورم. اگر خداوند در او صدق نیت بداند، تمام اجر و پاداشی را که در صورت رسیدن به این آرزو و انجام آن کارهای خیر استحقاق پیدا می‌کرد، برای او نوشته می‌شود. (مجلسی، پیشین، ج ۷: ۲۶۱)

راه‌های امیدواری

امیدواری مانند صفات پسندیده دیگر، اکتسابی است؛ یعنی باید با تلاش و تمرین آن را به دست آورد. راه‌هایی که جوانه امید را در دل آدمی می‌کارد و باعث همت و تلاش در انسان می‌گردد عبارت‌اند از:

۱. تفکر سازنده

قدرت اندیشه و تفکر، بر هیچ کس پوشیده نیست. اندیشه نه تنها بر جسم انسان، بلکه بر آینده او نیز تأثیر می‌گذارد. تفکر مثبت، تولید انرژی، توانایی و دلگرمی می‌کند و در افزایش همت و تلاش انسان بسیار مؤثر است و در عوض، تفکر منفی موجب اضطراب و تشویش افراد می‌شود. اگر بخواهیم امیدوار زندگی کنیم باید همواره نیمه پر لیوان را بنگریم نه نیمه خالی آن را و به آنچه می‌توانیم کسب کنیم بیندیشیم. برای این منظور راه‌کارهایی وجود دارد:

۱-۱. همراهی با زیبایی‌های زندگی

زندگی بستری از تیغ و خار و یا باغی از گل سرخ است، اما این که ما زندگی را از چه زاویه‌ای ببینیم مهم است. آیا هرگز متوجه شده‌اید وقتی به شما شاخه گل سرخی هدیه می‌کنند که ساقه‌اش خارهایی به خود چسبیده دارد، اگر خارها را از آن جدا کنند، زودتر پژمرده می‌شود؟ آیا هیچ‌گاه به فردی که شاخه گلی به شما اهدا کرده، می‌گویید که چرا گلی را با خار به شما می‌دهد؟ شما از کنار خارها می‌گذرید و از اهدا کننده گل تشکر می‌کنید. به راستی آنچه در زندگی به هر یک از ما داده شده کمتر از گل سرخی است که دوستی به ما اهدا می‌کند و ما به خار آن توجهی نداریم؟ پس از کنار خارهای زندگی، بزرگوارانه بگذریم و

«لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسَ قَنُوطُ؛ انسان هرگز از تقاضای نیکی خسته نمی‌شود و هرگاه شر و بدی به او رسد، مأیوس و ناامید می‌گردد.» (فصلت، آیه ۴۹)

به‌هنگام روی آوردن نعمت‌ها، حریص، مغرور و فراموش کار شدن و به‌هنگام پشت کردن نعمت‌ها، مأیوس و بی‌طاقت شدن، از ویژگی‌های کسانی است که فلسفه تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی را نمی‌دانند و ظاهر امور را مبنای قضاوت خود قرار می‌دهند. قرآن مجید تنها گروه موحد و خدانشناس و نمازگزار را که خود را به منبع عظیم قدرت لایزال الهی پیوند داده‌اند، وزین و با ظرفیت معرفی می‌کند. آن‌ها نه هنگام راحتی، سرمست و مغرورند و نه هنگام سختی، ناامید و زمین‌گیر. (معارج، آیه ۲۰-۲۲)

قطره چون متصل به دریا شد
تو دگر قطره‌اش مخوان، دریاست
مؤمن در سایه توکل و همت، تلاش و پشتکار در گرفتاری‌ها به خدا توجه کرده، امور خود را به او واگذار می‌کند، چون تمام کارها را به دست قدرت او می‌داند. او به این آیه شریفه باور دارد که اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف کند و اگر خیری به تو برساند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. (یونس، آیه ۱۰۷)

در این صورت است که کامیابی را در امید به خدا و ناامیدی از غیر او می‌داند. شخصی بنام حسین بن علوان می‌گوید: در مجلسی با اصحابی بودیم، در حالی که هزینه سفرم تمام شده بود. یکی از دوستانم از من پرسید: برای این گرفتاری به چه کسی امیدواری؟ گفتم: به فلانی. گفت: به خدا سوگند! حاجت برآورده نمی‌شود و به آرزوی خود نخواهی رسید. گفتم: از کجا می‌دانی؟ گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: در یکی از کتاب‌ها خوانده‌ام که خدای متعال فرموده است: به عزت و عظمت و جلالم قسم که آرزوی هر کس را که به غیر من امید بندد ناامید خواهیم کرد و لباس ذلت بر او خواهیم پوشاند و او را از پیش خود می‌رانم. آیا در گرفتاری‌ها غیر من را می‌طلبید، در صورتی که رفع گرفتاری به دست من است؟ آیا به غیر من امید دارد و در خانه غیر مرا می‌کوبد با آن که کلیدهای همه درهای بسته نزد من است؟ کیست که در گرفتاری‌های خود به من امید بسته و من امید او را قطع کرده باشم؟ (مجلسی، پیشین، ج ۷۱: ۱۳۰)

آفرینش معتقد نیستند و انسان را معلول تصادفات می‌دانند، چنین می‌گویند که این موجود اصولاً شرّ، جزء ذاتش است و از اولی که پا روی زمین گذارده شرارت کرده است و هم‌اکنون نیز موجودی شرور است، در آینده نیز چنین خواهد بود. امیدی به این موجود از نظر سعادت نیست. اینان هرگونه طرح اصلاحی را برای جامعه بشریت رد می‌کنند و هیچ‌گونه امیدی نسبت به اصلاح او ندارند ... وقتی از آنان سؤال می‌شود که پس به چه امیدی باید زنده بود؟ می‌گویند: اصلاً نباید زنده بود. اگر بشری به کمال نهایی و مرحله عالی خود برسد، بایستی خودکشی کند و این است اوج ترقی یک انسان که به این مرحله برسد و درک کند که چیزی جز شرارت نیست.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۷۴)

استاد مطهری (ره) ایمان را منبع امید و رجا می‌داند و می‌گوید: «آدم با ایمان هیچ وقت خودش را تک و بی‌مددکار و بی‌غمخوار نمی‌بیند، همیشه در نماز می‌گوید: خدایا! تو را می‌پرستیم و از تو مدد می‌خواهیم ... دین و ایمان در عین این که در نواحی زیادی به امید و رجا، قوت و وسعت می‌دهد، از طرفی هم جلو یک سلسله آرزوها را می‌گیرد و نمی‌گذارد آنها رشد کنند. آدمی در ناحیه آرزو، هیچ‌گونه محدودیتی ندارد. گاهی آرزوی امر محال می‌کند؛ برای مثال حادثه‌ای در گذشته و با یک کیفیت مخصوص واقع شده بود و آدمی آرزو می‌کند که ای کاش واقع نشده بود و یا آن که آرزو می‌کند که ای کاش آن حادثه به فلان کیفیت واقع شده بود. آرزو می‌کند که ایام جوانی برگردد؛ آرزو می‌کند که برادر و فامیل فلان شخص باشد؛ هیچ کدام از این‌ها واقع‌شدنی نیست. چیزی که در گذشته واقع شده ممکن نیست نابود شود و چیزی دیگر جای آن را بگیرد. در عین حال جلو آرزو را نمی‌شود گرفت ... همان‌هاست که آدمی را می‌فریبند و وقت و عمر او را تباه می‌سازد.» (مطهری، پیشین: ۱۷۷-۱۷۸)

یکی از آثار ایمان به خدا، شرح صدر، بلندی افق فکر، دریا دلی و ژرف اندیشی است که نتیجه آن همت و تلاش در زندگانی است. مردان حق و پیروان راستین مکتب انبیا، در سایه ارتباط با خدا، پرظرفیت و پرمایه‌اند. برخلاف انسان‌های تربیت‌نیافته‌ای که قلبشان به نور معرفت الهی و ایمان به پروردگار و روز قیامت روشن نشده و در محدوده عالم ماده گرفتارند. قرآن مجید حال این افراد ضعیف و کوتاه فکر و کم‌ظرفیت را چنین ترسیم کرده است:

الذنوب جميعاً؛ ای پیامبر! به بندگان گناهکار که بر خود ستم کرده‌اند، بگو از رحمت خداوند ناامید نشوند که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.» (زمر، آیه ۵۳)

آیه فوق گسترده‌ترین آیه قرآنی است که شمول آن، هرگونه گناه را در بر می‌گیرد و به همین دلیل از امیدبخش‌ترین آیات محسوب می‌شود.

باز آی، باز آی هر آنچه هستی باز آی

گر کافر و گبر و بت پرستی باز آی

این درگه ما درگه ناامیدی نیست

صد بار اگر توبه شکستی باز آی

در واقعه، توبه نیروی محرکه‌ای است که فرد و جامعه را از رکود و سکون و درجا زدن خارج ساخته، همت و تلاش مضاعف را جایگزین آن می‌سازد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له؛

توبه‌کننده واقعی مانند کسی است که اصلاً گناهی نکرده است.»

(مجلسی، پیشین، ج ۷۱: ۱۰۲) بنابراین باید گفت با وجود توبه

و استغفار، ناامیدی معنا ندارد. امام علی (ع) می‌فرماید: تعجب

می‌کنم از کسی که ناامید می‌شود و حال آنکه با او استغفار است.

(نهج‌البلاغه، قصار ۸۴)

آری، از مکتبی که یأس و ناامیدی را در ردیف گناهان بزرگ به

حساب می‌آورد (کلینی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۷۷) و بالاتر از آن در کتاب

آسمانی‌اش در حد کفر قرار می‌دهد، (یوسف، آیه ۸۷) باید انتظار

امیدواری همیشگی و دوری جستن از ناامیدی داشت و با تلاش و

کوشش جامعه‌ای پویا و مطلوب را ارائه کرد. مولوی می‌گوید:

انہیا گفتند نومیدی بد است

فضل و رحمت های باری بی حد است

از چنین محسن نشاید ناامید

دست در فتراک این رحمت نزنید

۴. اندیشه در خاطرات زیبای گذشته

بعضی افراد زندگی خود را با مقیاس حال و وضعیت فعلی

ارزیابی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که همیشه در شرایط سخت

بوده و خواهند بود، در حالی که واقعیت زندگی چیز دیگری

است. توجه به گذشته شیرین و مرور خاطرات مسرت بخش

آن عاملی مهم در همت و کار در زندگانی به‌شمار می‌رود و در

ادیان الهی، پیروان خود را به نیروهای غیبی و پشت صحنه آفرینش توجه داده‌اند و برای مقابله با یأس و ناامیدی، همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که اسباب و عوامل ظاهری شناخته شده، همه کاره امور نیستند؛ بلکه اسباب اصلی و قوی‌تری نیز در کار است که چه‌بسا از آن‌ها غفلت می‌شود.

امام علی (ع) می‌فرماید: «کن لما لا ترجوا أرجی منك لما ترجوا؛ به آنچه امیدوار نیستی بیش از آنچه به او دل بسته‌ای، امید داشته باش.» (مجلسی، پیشین، ج ۱۳: ۹۲)

در ادامه روایت فوق، حضرت به نمونه‌هایی اشاره می‌کند؛

مانند داستان حضرت موسی (ع) که در آن شب تاریک و سرد

به‌منظور تهیه آتش برای خانواده خویش حرکت کرد؛ اما در آن

شب، خدا با او سخن گفت و سر از پیامبری در آورد. در حقیقت

او به دنبال «نار» رفت؛ اما به «نور» رسید. بلقیس، ملکه سبا، در

حالی که کافر بود به سوی سلیمان حرکت کرد؛ اما از مؤمنان

گردید. ساحران فرعون به‌منظور مقابله با حضرت موسی (ع) از

خانه خارج شدند؛ اما از یاران حضرت به‌شمار آمدند. (همان)

کسی که بر خدا توکل کند، با همت و کار از تمام ظرفیت‌ها و

انرژی‌های موجود خود بهره می‌گیرد و به عنصری شکست‌ناپذیر

مبدل می‌گردد. امام باقر (ع) می‌فرماید: کسی که بر خدا توکل

نماید، مغلوب نمی‌شود و کسی که به خدا پناهنده شود، شکست

نمی‌خورد. (همان، ج ۷۱: ۱۵۱)

۳. توبه

یکی از راه‌های امیدواری، توبه و بازگشت به خداست. چه‌بسا

افرادی با مرور پرونده سیاه سابق خود، احساس شرمساری

می‌کنند؛ به‌خصوص زمانی که گناهان سنگینی مرتکب شده

باشند. در این صورت زنجیر اعمال گذشته که بر دست و پای

آنها بسته شده و شکنجه‌های وجدان و افکار یأس‌آور که چون

کابوسی وحشتناک بر روحشان سایه افکنده، مشکلات روحی

زیادی را برای این دسته پدید می‌آورد.

اسلام فراسوی گناهکاران، روزنه‌ای از امید گشوده و برای

جدا شدن از گذشته و آغاز زندگی جدید و حتی تولدی دیگر،

«توبه» را پیشنهاد کرده است. این روش به همه نوید می‌دهد که

راه به روی همه باز است. قرآن مجید می‌فرماید: «قل یا عبادي

الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمہ اللہ ان اللہ یغفر

شدت سختی‌ها به نهایت رسند، همان لحظه موقع انتظار و امید گشایش است.» (آمدی، پیشین، ج ۴: ۳۱۹)

بنابراین اندیشه در آینده‌ای روشن، همت مضاعف و کار مضاعف را در انسان احیاء می‌نماید. ضعف و سستی و جمود را از ساختار روح و ذهن انسان می‌زداید.

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید یکی از سخت‌ترین دوران برای رسول اکرم(ص) جنگ احزاب بود که همه گروه‌ها در صف واحد قرار گرفتند تا با تمام قوا و تجهیزات کامل، لشکر اسلام را منهدم کنند. در این حال، پیامبر(ص) امیدش را از دست نداد و حتی پیروزی مسلمانان را بر امپراتوری‌های فارس و روم نوید دادند. (مجلسی، پیشین، ج ۷: ۱۹۰)

مادری خدمت امام صادق(ع) رسید و از این‌که فرزندش از سفر برنگشته اظهار نگرانی کرد، حضرت وی را به صبر دعوت کرد. مادر آرام شد و رفت. چندی بعد دوباره بازگشت و بار دیگر حضرت او را به صبر فرا خواند. بار سوم، به شدت اظهار ناراحتی کرد و گفت: طاقتم دیگر تمام شده است. حضرت به وی فرمود: به منزل برو که فرزندت آمده است. او پس از این‌که فرزندش را دید، خدمت حضرت باز گشت و پرسید: از کجا دانستید فرزندم برگشته است؟ حضرت فرمود: وقتی گفتم صبرم تمام شده است، فهمیدم فرزندت آمده است، زیرا وقتی صبر انسان تمام شود، فرج فرا می‌رسد. (مجلسی، پیشین، ج ۱۵: ۲۲۲)

۶. شناخت صحیح دنیا

یکی از راه‌های دستیابی به امید در زندگی، شناخت صحیح از واقعیات دنیاست. اگر تصورات و انتظارات ما از دنیا مطابق با واقع باشد، ناامیدی به‌خود راه نخواهیم داد و همت و کار مضاعف را در رأس تمام امورات زندگانی قرار خواهیم داد.

یکی از ویژگی‌های دنیا، تحول، دگرگونی و پستی و بلندی و فراز و نشیب‌های آن است. پیشوایان دین با ذکر این حقیقت، در پی اصلاح نگرش مردم از دنیا بودند تا در پیشامدهای ناگوار زندگی خود را نیازند و همواره مهیای مقابله با مشکلات احتمالی باشند. امام علی(ع) می‌فرماید:

«الدهر یومان یوم لک و یوم علیک فاذا کان لک فلا تبطر و اذا کان علیک فاصبر؛ دنیا دو روز است، روزی به نفع تو و روزی

حال پرانوده شما روزنه‌ای می‌گشاید و امیدوارتان می‌سازد. امام صادق(ع) با گوشزد کردن این نکته، یکی از مبتلایان به یأس و ناامیدی را نجات داد. ابراهیم بن مسعود می‌گوید: وضعیت یکی از تجار مدینه تغییر کرد، او خدمت امام صادق(ع) رسید و لب به شکایت گشود. حضرت به وی فرمود: بی تابی مکن که اگر روزی دچار تنگدستی شده‌ای، روزهای بسیاری را در خوشی گذرانده‌ای. ناامید مباش که ناامیدی کفر است. خداوند به زودی تو را غنی خواهد ساخت. (مجلسی، پیشین، ج ۷۸: ۲۰۳)

۵. اندیشه در آینده‌ای روشن

بعضی به گمان این‌که مشکلی که هم‌اکنون گریبان‌گیر آن‌ها شده تا ابد همراهشان خواهد بود، زانوی غم در بغل می‌گیرند و به کلی مأیوس می‌شوند. کسی که حالت انتظار نداشته باشد، آینده را تاریک و همه راه‌ها را بسته می‌بیند، اما با داشتن تصویری روشن از آینده و بهره‌مندی از روحیه انتظار، می‌توان چراغ امید را پرفروغ ساخت. قرآن مجید سختی‌ها را پایان‌پذیر می‌داند، از این رو آسایش و راحتی را مقرون سختی‌ها قرار داده است: «فانّ مع العسر یسراً، انّ مع العسر یسراً؛ قطعاً هر سختی آسانی است. همانا با هر سختی آسانی است.» (انشراح، آیه ۶۵)

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی همراه بیش از سیصد نفر از سربازان اسلام، از جانب رسول خدا(ص) به مأموریتی اعزام شدیم؛ اما از آن جا که توشه راهمان اندک بود، برخی گفتند از این مأموریت منصرف شویم. این تصمیم را به آن حضرت اطلاع دادند. رسول خدا(ص) پس از این‌که فرمود: اگر آذوقه بیشتری داشتیم حتماً به شما می‌دادم، آیه فوق را قرائت کرد. (مجلسی، پیشین، ج ۷۰: ۱۱۰)

بعد ناامیدی بسی امیدهاست

از پس ظلمت بسی خورشیدهاست

نه تنها سختی‌ها مایه امید است، افزایش آن نیز مایه امید بیشتر است. وقتی حلقه‌های بلا و گرفتاری، تنگ‌تر شود، نشانه‌های فرج آشکار می‌گردد و این بدان علت است که هر کس در شرایط سخت و بحرانی، دچار یأس و نومیدی نگردد.

امیرالمؤمنین(ع) توصیه می‌فرماید که در پیچیده‌ترین مراحل هم نباید از مشکلات فرار کرد و روح امیدواری را از دست داد و از این رو می‌فرماید: «عند تناهی الشدائد یكون توقع الفرج؛ وقتی

به زیان توست. اگر دنیا روی خوش به شما نشان داد، سرمست و مغرور نشوید و اگر به سختی دنیا دچار شدید، صبر و تحمل پیشه کنید. « (نهج البلاغه، قصار ۳۹۰) روزی کسی با حال پریشان خدمت امام صادق (ع) رسید و از سختی زندگی خود شکایت کرد. حضرت، زندان کوفه را به یاد وی آورد و فرمود: زندان کوفه چگونه است؟ آن مرد گفت: جایی تنگ و بدبو است که افراد در آن جا در بدترین شرایط به سر می‌برند. حضرت فرمود: تو نیز در زندان دنیا به سر می‌بری، با وجود این می‌خواهی در آسایش و خوشی باشی. مگر نمی‌دانی که دنیا زندان مؤمن است. (کلینی، پیشین، ج ۲: ۲۵۰) حضرت با ترسیم چهره دنیا برای وی، بار غم و اندوهش را کاستند و به او نیرویی تازه بخشیدند.

۷. شناخت بهتر از سختی‌ها

چه بسا تحلیل نادرست از سختی‌ها، افرادی را به یأس و ناامیدی می‌کشاند. طبیعی است وقتی مشکلات و سختی‌ها را مانع تکامل بدانیم، از آن استقبال نمی‌کنیم و از مواجهه با آن‌ها وحشت و اضطراب و دل‌زدگی به ما دست می‌دهد. اما واقعیت این است که سختی‌ها آن قدر هم که فکر می‌کنیم ناخوشایند نیستند. قرآن مجید می‌فرماید: چه بسا چیزی را نمی‌پسندید، در حالی که نفع شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید، در حالی که زیانتان در آن است. (بقره، آیه ۲۱۶) پس همیشه منافع، در راحتی و آسایش نیست.

از روایات معصومین (ع) استفاده می‌شود که وجود شداید و سختی‌ها برای مؤمن امری اجتناب‌ناپذیر است تا جایی که امام صادق (ع) فرموده‌اند: اگر مؤمن روی قلّه کوهی قرار گیرد، خداوند فردی را که مزاحم او باشد همدمش خواهد کرد تا به او اجر و پاداش رساند، (مجلسی، پیشین، ج ۶۷: ۲۲۲) زیرا گرفتاری برای مؤمن، مایه تکامل و پیشرفت است. پیامبر (ص) چه زیبا فرموده‌اند: خداوند بنده مؤمن خود را با سختی تغذیه می‌کند؛ همان‌گونه که مادر فرزندش را با شیر تغذیه می‌کند. (مجلسی، پیشین، ج ۸۱: ۱۹۵)

۸. صبر و شکیبایی

یکی از عوامل مهم در حفظ روحیه امیدواری و تقویت همت مضاعف و کار مضاعف، کاهش درد و رنج و سختی است. به فرموده امام صادق (ع) هیچ چیز به اندازه صبوری، رنج و گرفتاری‌ها را

کاهش نمی‌دهد (مجلسی، پیشین، ج ۷۵: ۲۴۶). امام صادق (ع) داستان غم‌انگیز حضرت یوسف (ع) را یادآور می‌شود که با صبر و شکیبایی توانست در شرایط سخت زندان روحیه امیدواری خود را حفظ کند. سپس می‌فرماید: نتیجه صبر، پیروزی است: « فاصبروا تظفروا! » پس شما نیز شکیبا باشید تا موفق شوید. (مجلسی، پیشین، ج ۶۸: ۹۶) پیامبر (ص) نیز بر این اصل تکیه دارد که: « بالصبر يتوقع لافرج؛ به وسیله صبر، امید گشایش است. » (همان)

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند

بر اثر صبر ، نوبت ظفر آید

انسان ذاتاً عجول است. به محض این‌که چیزی را دید، می‌خواهد و همین که به چیزی امید بست، به انتظار می‌نشیند. آن چه مهم است تحمل تپش‌های پر اضطراب انتظار و از یاد نبردن طلوع خورشید است. امام علی (ع) می‌فرماید: « من صبر نال المُنَى، هر کس شکیبایی ورزید، به آرزویش می‌رسد. » (آمدی، پیشین، ج ۵: ۱۵۰)

۹. فعالیت

با دست روی دست گذاشتن و زانوی غم در بغل گرفتن، مشکلی رفع نمی‌شود؛ بلکه یأس و نومیدی را به ارمغان می‌آورد. پس باید دست به کار شد و در پرتو کار و فعالیت، روحیه مضاعف را به دست آورد. تلاش و کوشش، عامل نشاط و پویایی و سکون و بی‌حرکی، مولد رکود و خمودی است. کسی که مشکل مالی دارد باید خودش برای کسب روزی اقدام کند. پیامبر (ص) می‌فرماید: اگر مشکل مالی دارید، حرکت کنید و برای کسب روزی و جلب فضل الهی از تلاش باز نایستید و غمگین نشوید. (مجلسی، پیشین، ج ۷۸: ۱۱۱)

«ابوطیاره، بازرگان کوفه، بر اثر پیشامدهای ناگواری، اموال خود را از دست داد. مشکلات مالی روحیه او را ضعیف ساخت و به فردی مأیوس تبدیل کرد. او خدمت امام صادق (ع) رسید و از آن حضرت چاره‌جویی کرد. امام (ع) از وی سؤال کرد: آیا در بازار دکان داری؟ عرض کرد: آری، ولی جنسی ندارم تا برای فروش عرضه کنم. حضرت فرمود: موقعی که به کوفه برگشتی دکان خود را تمیز کن و درب مغازه خود بنشین. قبل از شروع فعالیت، دو رکعت نماز بخوان و پس از آن بگو: خدایا من به

با تأمل در آموزه‌های دینی، درمی‌یابیم که اساس زندگانی بر امید بنا شده است. تمامی تلاش‌های پیامبران و اولیای الهی بر محوریت امید بنا شده است. انسان و جامعه‌ای رشد یافته و متکامل خواهد بود که با توکل بر خداوند بتواند بر مشکلات غلبه نماید. امید در زندگی انسان، باعث انجام کارهای شایسته و تلاش‌های مفید و پرتثمر می‌شود. در برابر امید، ناامیدی قرار دارد که زیان‌های فراوانی برای فرد و جامعه به‌دنبال دارد، کسی که به علل گوناگون برنامه برای بهره‌مندی از آن ندارد، زندگی را هیچ و پوچ می‌داند. انسان ناامید، به کار مهمی دست نمی‌زند و هیچ اقدام مثبتی انجام نمی‌دهد و چون امیدی به آینده ندارد مرتکب کارهای لهو و لعب می‌گردد.

انسان‌های با ایمان و امیدوار، در برابر شداید و حوادث سخت زندگی، صبر را پیشه خود ساخته‌اند و در همه حالات از کارهای شایسته فرو گذار نمی‌کنند. از حالت افراط و تفریط بیرونند. آنان هنگام فراوانی نعمت مغرور نمی‌شوند و خدا را فراموش نمی‌کنند و هنگام سختی‌ها و مصیبت‌ها از رحمت خدا ناامید نمی‌گردند. تجربه اثبات کرده است که اگر امید به زندگانی در فرد و جامعه احیاء گردد و با یأس و ناامیدی به عنوان عوامل رکود و جمود مبارزه شود، در آن صورت همت و کار مضاعف در آحاد افراد جامعه شکوفا و نهادینه می‌گردد و جامعه‌ای رشد یافته و متعالی در همه ابعاد آن خواهیم داشت.

نیروی شکست خورده خود متکی نیستیم. تنها تکیه‌گاه من قدرت شکست‌ناپذیر توست، تو نیرویی به من ده، از تو تمنای روزی و گشایش زندگی دارم. ابوطیاره به دستور امام (ع) عمل کرد و با اطمینان خاطر مغازه خود را باز کرد و در آن جا نشست. ساعتی نگذشت که پارچه فروشی نزد وی آمد و درخواست کرد نصف دکان را کرایه کند. ابوطیاره موافق کرد و نصف مغازه را به وی واگذار کرد. پارچه فروش متاع خود را در نصف دکان قرار داد و به دادوستد پرداخت. ابوطیاره از او خواست مقداری از پارچه‌ها را در اختیار ایشان قرار دهد تا به فروش برساند و حق‌العمل خود را بردارد و بقیه سود را با ایشان بپردازد و پارچه فروش پذیرفت. ابوطیاره پارچه‌های او را در نصف دیگر مغازه که در اختیار خودش بود، در معرض فروش قرار داد. اتفاقاً آن روز هوا به‌شدت سرد بود و مشتریان زیادی برای خرید پارچه به مغازه آمدند و تا غروب تمام اجناس فروخته شد. ابوطیاره می‌گوید به این کار ادامه دادم تا کارم به قدری خوب شد که مرکب و غلام و کنیز خریدم و خانه ساختم. (اسفندیاری، ۱۳۷۵: ۱۱۲)

آنچه روحیه از دست رفته و یأس آور ابوطیاره را بهبود بخشید، توکل به خدا، همت و کار مضاعف بود. بنابراین، همت و کار جدی با نگرش مثبت به امید به زندگانی تحقق عینی می‌یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده دور و نزدیک، لازمه سلامت روان و مانع ابتلا به بیماری فراگیر است. مطلوب اندیشی در شرایطی که ابرهای تیره و تاریک بدبینی، افق تاریک و مبهمی را ترسیم می‌کند یک ضرورت است. اندیشه مهدویت، آینده درخشان و سعادت‌مندانه انسان‌ها را نوید داده است و مؤمنان واقعی با اعتقاد به مهدویت و انتظار صبح سپید، در افق‌های دور نشانه‌های ساحل نجات می‌بینند و از فراگیری ظلم و ستم در جهان پرآشوب مأیوس نمی‌شوند. آنها به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک / آتش عشق تیزتر گردد»، وصول به هدف را در برابر خویش می‌بینند.

باید توجه داشت که با کار و تلاش سازنده، نگرش امیدوارانه است که زندگی انسان شکوفا می‌شود و در سایه کار و تلاش است که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه تأمین می‌گردد.

منابع:

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۰). غررالحکم و دررالکلم، شرح و ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- امین، محسن (بی تا) اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- اسفندیاری، محمد. (۱۳۷۵). بعد اجتماعی اسلام، قم، نشر خرم.
- حرانی، علی بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- حر عاملی، شیخ. (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). امام علی و اخلاق اسلامی، تهران، سازمان تحقیقات بسیج.
- زین‌العابدین، امام. (۱۳۸۶). صحیفه سجادیه، ترجمه لطیف راشدی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ چهاردهم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر طبری. (۱۴۰۶ق). تاریخ الطبری، بیروت، دارالکتب

- الاسلامیه.
- طبری، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق هاشم رسول محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، شیخ (بی تا) استبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- علی (ع)، امام. (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر الهادی.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۴۲۱ق). المحجّه البیضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، طبع الخامسه.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۴۰۲ق). تفسیر الصافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۶). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم.
- کارل، الکسیس. (۱۳۵۸). راه و رسم زندگی و نیایش، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، چاپخانه فردوسی، چاپ چهاردهم.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۴ق). اصول کافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مختاری، رضا. (۱۳۷۲). سیمای فرزنانگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۹). علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ق). میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، چاپ یازدهم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دهم.
- معتزلی، ابن ابی الحدید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی ابن ابیطالب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم.
- موسوی لاری، سیدمجتبی. (۱۳۷۶). رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.
- نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۳ق). جامع السعادات، نجف، مطبعه النجف.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت.

